> توسعه در مفهوم غربی پدیده ایست عمدتاً مادی و تکنولوژیکی. مثل قطره آبی که هنوز به زمین نرسیده، در کویر پوچ گرایی و نهیلیسم ذاتی تفکر معاصر غربی غرق و نابود می شود

صدمه بزنند.) اگرچه حکومت و حاکم شرع همواره بر حسن اجرای کلیات این قوانین نظارت داشته و میتواند در شرایط استثنایی و در صورت لزوم دخالت کند. چه این استثناها در مورد پدرانی باشد که طبق قاعده معمولی رفتار نمی کنند و چه مردان و شوهرانی که وظایف اصلی خود را انجام نمی دهند...

حالا مثلاً اگر همین شرط اجازه پدر در ازدواج دختر وجود نداشت، چقدر احتمال داشت تعداد و میزان حاملگی های ناخواسته در بین دختران جوان افزایش پیدا کند؟ پاسخ این سوال را نه تنها درآمارهای رسمی کشورهایی از قبیل آمریکا و فرانسه و... میتوان یافت، بلکه حتی در نمونه فیلم های هالیوودی نیز می توان براحتی ملاحظه کرد! از ۵۰ درصد مادران جوانی که برای اولین بار به صورت ناخواسته مادر شدن را تجربه کرده‌اند گرفته تا گاهی ۷۰٪ فرزندان نامشروع! خب، صنعت سینما و فیلم و سریال سازی جمهوری اسلامی در این مورد چه می گوید؟ شما مخاطبان عزیز چقدر وقت لازم دارید که فکر کنید و به ذهنتان فشار بیاورید... تا نام یک فیلم یا یک سریال را به یاد بیاورید که نقش پدر دختر، در مورد ازدواج او منفی نیست؟! از جیران و یاغی گرفته تا بی همگان و بی گناه و... واقعاً چند فیلم و سریال عاشقانه یا غیر عاشقانه ایرانی را به خاطر می آورید که نقش و وظیفه اصلی پدر زن های داستان سنگ اندازی در راه ازدواج و ممانعت از خوشبختی دخترانشان نباشد؟!

اجازه دهید به عنوان نمونه، مرور کوتاهی بر همین سریال جیران داشته باشیم که اتفاقاً از آخرین و قویترین نمونه های سریال سازی ایران معاصر به شمار می آید. چه از نظر تکنیک های فیلمسازی مثل حرکت دوربین و نورپردازی و صدابرداری و گریم و دکور صحنه و طراحی لباس و... چه از جنبه گیرایی و قوت ساختاری خود داستان و درام. امتیازات و ویژگی های برجسته این سریال به مراتب بیشتر از این مقداری است که اشاره کردیم. می خواهم بگویم خیلی وقت است که ترجیح میدهم از نمونه آثاری حرف بزنم و مطلب بنویسم که نه تنها به عنوان مخاطب دوستشان دارم، بلکه به عنوان منتقد مورد تاییدم نیز هستند. فرصت نیست از دوگانه جذابیت و حقانیت بحث کنیم؛ و اینکه به عنوان مثال، جذابیت شرط لازم تمام آثار هنری است اما کافی نیست. هر کار درستی زیبا هم هست، اما هر کار زیبایی لزوماً درست نیست. بگذاریم.

از ابتدا که شروع کنیم، در سریال جیران شاهد عاشق و معشوقی هستیم که سالهاست زیر یک سقف زندگی می کنند و به شدت یکدیگر را دوست دارند، اما با یکدیگر نامحرم اند! خود این قضیه می تواند یکی از حادترین نمونه های نقض حریم محرم و نامحرم را به تصویر بکشد؛ یعنی پیش فرض اولیه داستان سریال این است که تقوا و پاکدامنی جنسی می تواند هیچ ربطی به معیارها و موازین شرعی نداشته باشد! جیران و سیاوش ظاهراً سالهاست که با یکدیگر سوارکاری و آب بازی و تاب بازی می کنند، خلوت می کنند و حرف های عاشقانه می زنند و... یا حتی در چمنزار ها کنار یکدیگر دراز میکشند، اما هنوز هم از نظر راوی دانای کل داستان پاکدامن مانده اند! اصلاً نه تنها متفکران دینی، بلکه تمام اندیشمندان شرقی و ایرانی را کنار بگذاریم؛ از کنت و کانت گرفته تا نیچه و شوپنهاور و فروید و لاکان و... کدام جامعه شناس، فیلسوف، یا روانکاو و روانشناس غربی را سراغ دارید که قبول کند عدم هرگونه رابطه جنسی بین سیاوش و جیران در چنین شرایطی قابل تصور و امری عادی و پیش پا افتاده است؟!